



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



وزارت آموزش و پرورش
انجمن ملی آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب
دانشگاه هرمزگان
شعبه ملی، ۱۳۰۱۵۵۰۷۳۳۰
آکادمی نگار

نگاه انتقادی به نگرش اسناد توسعه ملی جمهوری اسلامی ایران به عدالت آموزشی از منظر رویکرد

اجتماع گرا

امیر محمد توان

کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه مازندران

اداره آموزش و پرورش شهرستان آمل، آموزشگاه شاهد پسران

آدرس الکترونیکی: Tavan1387@gmail.com

تماس: ۰۹۳۶۱۷۱۵۷۲۸

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف نقد و بررسی اسناد توسعه ملی جمهوری اسلامی ایران به عدالت آموزشی از منظر رویکرد اجتماع گرا نگاشته شده است. در این پژوهش ابتدا به بررسی رویکردهای عدالت در اسناد توسعه دولت‌ها به عنوان مهمترین اسناد سیاست‌گذاری‌های کلان کشور پرداخته شد سپس رویکردهای عدالت موجود در اسناد از منظر رویکرد اجتماع‌گرایی مورد نقد و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که از یک طرف سیاست‌گذاری‌های آموزشی کشور به سمت سیاست‌گذاری‌های حداکثری گرایش دارند و از طرفی دیگر به لحاظ رویکردهای عدالت شاهد یک رویکرد مشخص در اسناد نمی‌باشیم. در نتیجه سیاست‌گذاری حداکثری به همراه تنوع رویکردهای عدالت موجود در اسناد، منجر به آن شده است که نظام آموزشی کشور به لحاظ عملکردی با طیفی از فعالیت‌های از هم گسیخته و نامتوازن مواجه باشد. از این رو به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران نظام آموزشی کشور بهتر است به جای در نظر گرفتن سیاست‌گذاری حداکثری در قالب رویکردهای مختلف، به سمت یک سیاست‌گذاری مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی قدم بردارند تا از این طریق بتوانند با همکاری و توافق حاصل از اجتماعات مختلف، راهکارهای مشخصی را برای اجرای عدالت در صحنه آموزش و پرورش بیابند.

واژگان کلیدی: عدالت، آموزش، سیاست‌گذاری، رویکردها، اجتماع‌گرایی

۱- مقدمه:

عدالت مفهومی است که از دیر باز مورد توجه بشر بوده و ذهن او را به خود معطوف داشته است. انسان‌ها ممکن است در حوزه نظری بتوانند عدالت را از مفاهیمی مانند برابری، اخلاق، قانون، حق، انصاف، آزادی و مواردی از این قبیل جدا نمایند اما در عمل این امر ممکن نیست و بین عدالت و بسیاری از مفاهیم پیوندی ناگسستنی وجود دارد (بشیریه، ۱۳۸۳). از این رو عدالت را نمی‌توان محدود به حوزه نظری یا عملی کرد و باید به صورت یک بحث کلی بدان توجه داشت. امروزه بحث از عدالت با پیچیده‌تر شدن جوامع بشری بسیار گسترده شده و تمام سطوح ساختاری و خط‌مشی‌های یک جامعه در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، آموزشی و غیره را در بر گرفته است. یکی از این ساختارهای مهم در جهان امروز، آموزش و پرورش می‌باشد.

آموزش و پرورش به عنوان پدیده‌ای منحصر به فرد یکی از پایه‌های اساسی هر جامعه را تشکیل می‌دهد و جامعه امروز بدون آن نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد (کاظم‌پور و افتخاری، ۱۳۹۲). بنابراین دولت‌ها در جهان امروز برای پاسخگویی به نیازهای گوناگون خود در حوزه‌های مختلف ناگزیر هستند که به آموزش و پرورش توجه کنند. به طور معمول دولت‌ها، وظیفه و نقش خودشان در عرصه تعلیم و تربیت را در چارچوب سیاست‌گذاری‌ها در آموزش و پرورش به انجام می‌رسانند. منظور از سیاست‌گذاری، مجموعه عملکردهای حکومت یا دولت برای تدبیر امور جامعه می‌باشد (نادری، نوروزی، سیادت، ۱۳۹۵). مقصود از سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش این است که دولت، در صدد تأمین با کیفیت و متناسب خدمات آموزشی می‌باشد به گونه‌ای که تمام شهروندان بتوانند به طور بهینه از این خدمات بهره ببرند (حیدری، ۱۳۹۸). توجه به عدالت یکی از ابعاد مهم در سیاست‌گذاری‌های آموزش و پرورش است تا از این طریق حکومت‌ها یا دولت‌ها بتوانند خدمات آموزشی را به بهترین و بهینه‌ترین شکل ممکن ارائه دهند. خدماتی که در عرصه سیاست‌گذاری نیازمند ابعاد نظری و عملی منسجمی می‌باشد و این ابعاد نظری و عملی می‌تواند در هر حکومتی جنبه‌های گوناگونی پیدا کند و به منصفه اجرا گذاشته شود.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

در حوزه نظام آموزش و پرورش ایران در طی دهه‌های گذشته در سطح حکومت و دولت سیاست‌گذاری‌های گوناگونی صورت گرفته و توجه به عدالت در آموزش و پرورش یکی از دغدغه‌های این سیاست‌گذاری‌ها بوده است. از زمان انقلاب اسلامی و حتی کمی پیش از آن، نیروهای کنشگر و اثرگذار انقلاب به دنبال تدوین اسناد سیاست‌گذاری برای مشخص کردن اهداف و مسیر خود، جهت دستیابی به آرمان‌های مد نظر برآمدند و تا کنون این مسیر سیاست‌گذاری‌ها را ادامه داده‌اند. از سال ۱۳۵۷ تا به امروز برنامه‌های توسعه کشور با همکاری مجلس و دولت تدوین و تصویب شده است و هدف از آن‌ها مشخص کردن برنامه‌ها، سیاست‌های نظری و عملی کشور در طی پنج سال می‌باشد. اولین برنامه در سال ۱۳۵۷ در زمان دولت موقت تدوین شد ولی پس از آن، با استقرار مجلس و دولت جدید، به علت وقوع جنگ تحمیلی، تدوین برنامه‌ها و اسناد به تأخیر افتاد که این تأخیر تا پایان جنگ ادامه یافت (ضابط‌پور، ۱۳۹۵). با پایان یافتن جنگ تحمیلی، اولین برنامه توسعه در سال ۱۳۶۸ تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. پس از این برنامه، برنامه‌های دوم تا ششم توسعه به صورت برنامه‌های ۵ ساله تصویب گردید که یکی از موضوعات محوری در این برنامه‌ها تدوین سیاستی برای استقرار عدالت آموزشی بود.

معمولاً دولت‌ها برای تأمین عدالت، به دو شکل حداکثری و حداقلی در اجرای سیاست‌گذاری‌ها اقدام می‌کنند. در نگاه حداکثری، دولت به دنبال به کنترل در آوردن تمام امور جامعه می‌باشد و تا جایی که امکان دارد در پی توزیع حداکثری منابع است. اما در نگاه حداقلی، دولت نقش کمتری در توزیع منابع ایفاء می‌کند (نیلی، طبیبیان، غنی‌نژاد، ۱۳۹۴). بر این اساس سیاست‌گذاری‌های عدالت به صورت توزیعی در نظام آموزش و پرورش جوامعی که متمرکز و تحت نظارت دولت می‌باشند، بیشتر از سوی دولت انجام می‌شود اما در جوامعی که نظام آموزش و پرورش به صورت غیرمتمرکز اداره می‌شود، دولت تنها به دنبال نظارت و ارزیابی مناسب روندهای توزیع امکانات و منابع است.

در باب عدالت به صورت توزیعی دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد که مهمترین این دیدگاه‌ها به شرح زیر می‌باشند:

۱. اولین دیدگاه، رویکرد فایده‌گرایی است (فلای شاکر، ۱۳۹۷). این رویکرد خود به دو رویکرد فایده‌گرایی عمل‌نگر و قاعده‌نگر تقسیم می‌شود. نگاه فایده‌گرایی عمل‌نگر، مبتنی بر دیدگاه بنتام، پیامدهای عمل فرد را با توجه به موقعیت تعیین می‌کند (موحدی، ۱۳۹۸) و نگاه فایده‌گرایی قاعده‌نگر، بر مبنای دیدگاه جان استوارت میل، پیامدهای تبعیت عموم مردم از قاعده‌ای را ملاک درستی و نادرستی می‌داند (خاندوزی، ۱۳۹۰).

۲. دومین رویکرد، قراردادگرایی است که مبنای تحقق عدالت را عمل نهادها، همکاری‌های اجتماعی و توافق بر سر اصول عدالت می‌داند (همان، ۱۳۹۰). رویکرد قراردادگرایی به دو قسم عدالت به مثابه قانون و عدالت به مثابه انصاف تقسیم می‌شود. نگاه عدالت به مثابه قانون که از نظریات کانت نشئت می‌گیرد، عدالت را فقط در قانون به عنوان امری مطلق پی‌جویی می‌کند (فرقانی، ۱۳۹۶). در نگاه عدالت به مثابه انصاف که رالز نماینده برجسته آن است، عدالت توزیعی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی جامعه دنبال می‌شود (رالز، ۱۳۸۸).

۳. رویکرد برابرگرایی که به سه دسته برابری ثروت، منابع و توانمندی تقسیم می‌شود، نظریه دیگری درباره عدالت توزیعی است. در این نظریه توزیع باید در هر حالت منجر به برابری یا گسترش برابری در سطح جامعه شود. در رویکرد برابری ثروت که متأثر از مارکس است، عدالت، همان توزیع برابر درآمد جهت ایجاد برابری ثروت و جامعه بی‌طبقه می‌باشد (پیغامی، ۱۳۹۵). رویکرد برابری منابع که اولین بار رونالد دورکین آن را در بحث عدالت توزیعی مطرح کرد، توزیع برابر منابع را شرط اصلی برقراری عدالت در بین افراد یک جامعه بر می‌شمارد (مرتضوی کاخکی و همکاران، ۱۳۹۶). رویکرد برابری توانمندی که از نگاه‌های آمارتیا سن و مارتا ناسبام متأثر است، تحقق حداقلی از توانمندی و قابلیت در افراد و برابری برخی از توانمندی‌های ضروری بین افراد یک جامعه را شرط لازم تحقق عدالت می‌داند (سن، ۱۳۹۸).

۴. عده‌ای در بحث عدالت توزیعی دیدگاهی اختیارگرایانه از عدالت ارائه می‌دهند. در این نظریه، عدالت توزیعی همان رعایت حقوق و استحقاق‌های افراد است (عربی، ۱۳۹۹). در رویکرد اختیارگرایی برخی مانند هایک عدالت را در حقوق خصوصی افراد (هایک، ج ۱، ۱۳۹۲) و برخی همچون نوزیک، عدالت را در حقوق عمومی افراد (نوزیک، ۱۳۹۵) جستجو می‌کنند. حقوقی که دولت‌ها موظف به حفظ آن در هر جامعه‌ای می‌باشند.

۵. یکی جدیدترین نظریه‌ها در مورد عدالت، رویکرد اجتماع‌گرایی است. اجتماع‌گرایان عدالت توزیعی را در بستر فرهنگ، آداب و رسوم، سنت و غیره در هر اجتماع خاص جستجو می‌کنند (شیرزاد، ۱۳۹۸). آن‌ها بر عرصه جامعه‌شناختی در اجتماعات تأکید دارند و سیاست را در این عرصه مد نظر خود قرار می‌دهند (عباسی، ۱۳۹۴). نظریات اجتماع‌گرایی در باب عدالت را می‌توان به چهار بخش عدالت بر اساس سنت، عدالت بر اساس عاملیت فردی، عدالت بر اساس حوزه‌های عدالت و عدالت بر اساس چندفرهنگ‌گرایی تقسیم‌بندی کرد. در نگاه عدالت بر اساس سنت، مک‌ایننتایر (۱۹۲۹ م)، فیلسوف مطرح اسکاتلندی اعتقاد دارد که نحوه توزیع خیرات مشترک بر اساس سنت‌های موجود در هر اجتماع عامل اصلی مشخص نمودن عدالت می‌باشد (مک‌ایننتایر، ۱۳۹۰؛ بهشتی، ۱۳۹۵). در نگاه عدالت بر اساس عاملیت فردی، مایکل سندل (۱۹۵۳ م)، فیلسوف شهیر معاصر، عاملیت فردی انسان‌ها را در هر اجتماع به عنوان اصلی‌ترین ملاک تعیین اصول عدالت بر می‌شمارد (سندل، ۱۳۹۷). در نظریه عدالت بر اساس حوزه‌های عدالت، مایکل والزر (۱۹۳۵ م) تأکید دارد که هر حوزه‌ای (مانند حوزه‌های اقتصادی، آموزشی و ...) از عدالت در مقایسه با سایر حوزه‌ها دارای ویژگی‌های خاصی برای توزیع مواهب و خیرات می‌باشد و باید بر این مبنا به تعیین اصول عدالت پرداخت (والزر، ۱۳۹۴). سر آخر در دیدگاه عدالت بر اساس



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

چندفرهنگ‌گرایی، به زعم برخی از اجتماع‌گرایان همانند چارلز تیلور (۱۹۳۱ م)، فرهنگ‌های گوناگون، هویت‌های گوناگون می‌سازند و هویت‌های گوناگون خیرات متفاوتی را پدید می‌آورند که آن خیرات متفاوت، نیازمند اصول عدالت و توزیع مواهب مختلف و گوناگون می‌باشند (تیلور و رجایی، ۱۳۹۹).

در کل اجتماع‌گرایان به دنبال آن هستند که بر اساس اجتماعات گوناگون، سیاست‌گذاری‌های مختلف صورت گیرد. نهاد آموزش و پرورش هم مبتنی بر دیدگاه آنان باید در سطح اجتماعی، بررسی و هر تصمیمی در آموزش و پرورش باید با توجه به ارزش‌های اجتماعی گرفته شود. از آنجایی که رویکرد اجتماع‌گرایی کمتر در صحنه آموزش و پرورش ایران مورد بحث واقع شده است، در این پژوهش سعی داریم موضوع عدالت در آموزش و پرورش را در اسناد توسعه ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر رویکرد اجتماع‌گرایی مورد نقد و بررسی قرار دهیم. بر این مبنا در پژوهش حاضر پرسش‌های زیر قابل طرح است:

۱- رویکردهای عدالت در سیاست‌گذاری‌های آموزشی اسناد توسعه کشور چیست؟

۲- از منظر رویکرد اجتماع‌گرایی در بحث عدالت چه نقدهای بر سیاست‌گذاری‌های آموزشی در اسناد توسعه کشور وارد است؟

تاکنون پژوهش‌های متنوعی در زمینه عدالت آموزشی انجام شده است اما کمتر پژوهشی به رویکردهای عدالت در آموزش و پرورش توجه داشته‌اند. اکبرزاده، قائدی و صالحی (۱۳۹۸) در مقاله خود ذیل عنوان «تبیین مؤلفه‌های عدالت آموزشی و تحلیل انتقادی جایگاه آن در گفتمان‌های ایدئولوژیک‌سازی و سازندگی» به تحلیل و نقد مؤلفه‌های عدالت آموزشی در گفتمان‌های بعد از انقلاب اسلامی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که اگر از لحاظ انگیزشی و شناختی در مواضع فکری گروه حاکم تحولی ایجاد نگردد، تغییر در دیگر سطوح برای تحقق مؤثر عدالت آموزشی ممکن نخواهد گشت. صفار حیدری و حسین‌نژاد (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «رویکردهای عدالت آموزشی (نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران)» بررسی کرده‌اند که سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش مبتنی بر رویکردهای عدالت آموزشی بر بنیاد رویکرد آرمان‌گرا و بر اساس آمیزه‌ای از خوانش ایدئولوژیک از دین تدوین شده است که این امر تحقق سند تحول را با چالش‌هایی مواجه ساخته است. فرانسویس و میلز و لوپتون (۲۰۱۷) در مقاله خود با عنوان «به سوی عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش: تناقضات» معتقدند که اغلب موضوعات عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش فاقد تعامل سازنده با سیاست‌گذاری آموزشی است. دلیل این فقدان، عدم توافق در مورد بی‌عدالتی می‌باشد که نیازمند مذاکره بین اهداف مدرسه و عدالت اجتماعی است. برایهوس (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه برابری آموزشی در عدالت آموزشی» به بررسی جایگاه برابری آموزشی در عدالت آموزشی پرداخت. نتایج وی نشان داد که یک نظریه خوب در عدالت آموزشی چندین ارزش را مورد توجه قرار خواهد داد. از جمله این ارزش‌ها اهمیت زندگی خانوادگی است که سعی می‌کند فرصت‌های مناسبی را برای موفقیت کودکانی که از مزیت‌های کمتری برخوردارند در خود قرار دهد.

۲- روش‌شناسی :

پژوهش حاضر، در حوزه مطالعات نظری است و رویکرد مورد بررسی در این پژوهش تحلیلی و تفسیری و انتقادی می‌باشد. در این پژوهش پس از جمع‌آوری اطلاعات، سعی می‌گردد رویکردهای عدالت مربوط به حوزه آموزش و پرورش در اسناد توسعه کشور تعیین گردد سپس با توجه به نظریات رویکرد اجتماع‌گرایی به نقد و بررسی رویکردهای مد نظر سیاست‌گذاری‌های اسناد توسعه ملی پرداخته شود. جامعه آماری این تحقیق مجموعه‌ای از کتب، اسناد، مقالات و دیگر منابع در دسترس محقق می‌باشد. ابزار گردآوری، فیش‌های یادداشت شده می‌باشد که از طریق مطالعه متون فراهم آمده است.

۳- بحث درباره یافته‌ها

۳-۱- رویکردهای عدالت اسناد اول و دوم توسعه کشور در باب آموزش و پرورش

سند اول و دوم توسعه کشور به ترتیب در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۴ به تصویب رسیدند. هر دو سند در باب عدالت در آموزش و پرورش، رویکردهای فایده‌گرایی، قراردادگرایی و برابرگرایی را دنبال می‌کنند. علاوه بر این رویکردها، سند اول توسعه به رویکرد اجتماع‌گرایی هم توجه دارد.

جدول ۱. رویکردهای عدالت اسناد اول و دوم توسعه کشور در باب آموزش و پرورش

نوع سند	نوع رویکرد عدالت	جایگاه در سند	متن	صفحه
برنامه اول	فایده‌گرایی	ب. خطمشی‌ها	۴-۷-الف. اولویت تأمین نیازهای اولیه بر ثانویه و نیازهای جامعه بر	۳۳



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



توسعه		فرد	
		۴-۷-ط. اولویت تأمین نیازهای عموم مردم بر اقشار خاص	
قراردادگرایی	ج- تصویر کلان برنامه	۱-۲. تحت پوشش قرار گرفتن ۱۷/۸ میلیون نفر دانش آموز	۴۴
	تبصره ۶	ح-۲. ایجاد و گسترش مدارس شبانه روزی در مقاطع مختلف و مدارس نمونه و مراکز تربیت معلم	۳
برابری	ب. خطمشی	۱-۷. پیش بینی و طبقه بندی انواع نیازها به حیاتی، ضروری و غیر ضروری	۳۳-۳۲
		۲-۷. پیش بینی و تعیین کمی حداقل نیازهای حیاتی و ضروری با توجه به شناسایی و تعیین خواص	
اجتماع گرایی	ج- تصویر کلان برنامه	۱۱-۳-۶. متناسب کردن مزد و حقوق و دستمزدها با بهره‌وری کار و تلاش برای متعادل کردن درآمدها در بین بخش‌های مختلف اقتصادی کشور	۵۶
	ب. خطمشی	۴-۷-ب. اولویت تأمین نیازهای فرهنگی، اجتماعی بر نیازهای سیاسی، نظامی و بر نیازهای اقتصادی	۳۳
برنامه دوم توسعه	فایده گرایی	۱۵-۱. افزایش حمایت‌های قانونی و ایجاد تسهیلات جهت مشارکت هر چه بیشتر مردم در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تأکید بر جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی	۱۰۰
	قراردادگرایی	۱-۸. تحت پوشش قرار دادن کلیه کودکان و نوجوانان لازم‌التعلیم و تقویت آموزش‌های عمومی	۸۰
برابری	خطمشی‌های اساسی	۱-۱. تقسیم پهنه منابع و امکانات عمومی با تبیین ضرایب وضع موجود استان‌ها و مناطق و تلاش در رساندن استان‌ها و مناطقی که در ابتدای برنامه در امور اجتماعی و اقتصادی پایین تری از میانگین هستند به حد نصاب متوسط کشور	۷۹
	خطمشی‌های اساسی	۱-۲. توسعه و بهبود کیفیت شرایط عمومی زندگی مردم شامل بهبود توزیع درآمد و ثروت و کاهش ضریب جینی	۸۰
	سیاست‌های کلی	۷-۱۶. ایجاد زمینه‌های آموزش و اشتغال معلولین و جانبازان با توجه به قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان	۱۱۷

در رویکرد فایده‌گرایی هر کدام از اسناد به جنبه مختلفی از این رویکرد در مورد عدالت پرداخته‌اند. برنامه اول، اولویت تأمین نیازها و منافع جامعه را بر افراد ترجیح می‌دهد. این امر بیانگر آن است که تبعیت عموم مردم از قاعده‌ای، دلیل بر درستی آن قاعده است (خاندوزی، ۱۳۹۰). به همین دلیل برنامه اول، رویکرد فایده‌گرایی قاعده‌نگر را که به قاعده مد نظر عموم جامعه توجه دارد، اشاره می‌کند (موحدی، ۱۳۹۸). برنامه دوم، مطابق با دیدگاه نظریه سراسرین بنتام، برون سپاری امور را مطرح می‌سازد. به اعتقاد بنتام سپردن امور دولتی به دست مردم دارای فایده نهایی است که نهایتاً شامل حال تمامی افراد جامعه می‌گردد (سندل، ۱۳۹۸). این نگاه به فایده‌گرایی عمل‌نگر نزدیک است زیرا فایده را در موقعیت می‌سنجد؛ موقعیتی که نفع حاصل از آن باید شامل حال مردم و دولت گردد (همپتن، ۱۳۸۹). بنابراین از نظر سیاست‌گذاران هر دو سند، منافع عمومی زمانی حاصل می‌گردد که در اجرای وظایف و فعالیت‌ها به نقش مردم توجه کرد.

در رویکرد قراردادگرایی، هر دو سند به اصل فرصت برابر رالز توجه دارند. مطابق این اصل رالز بیان می‌کند که «نابرابری‌ها باید مختص به مناصب و مقام‌هایی باشند که تحت شرایط برابری منصفانه فرصت‌ها باب آن‌ها به روی همگان گشوده است» (رالز، ۱۳۸۸). بنابراین از منظر رالز، ایجاد فرصت‌های برابر برای افراد جهت داشتن مناصب و مشاغل لازم است و یکی از زمینه‌های اصلی ایجاد فرصت برابر که از ناحیه حکومت‌ها باید صورت گیرد، فرصت‌های آموزشی می‌باشد.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

رویکرد برابری از سه جنبه در سند اول و دوم توسعه مورد بحث قرار گرفته است. در جنبه اول، هر دو سند، برابری توانمندی را مطرح می‌سازند ولی برنامه اول با توجه به نیازها و برنامه دوم با توجه به توانمندسازی قشر خاصی، این دیدگاه را بررسی می‌کنند. آمارتیا سن در کتاب «آزادی و برابری» خود می‌گوید: «نابرابری‌های موجود در فضاهای مختلف، ممکن است بسته به گوناگونی‌های میانفردی موجود با هم تفاوت داشته باشند» (سن، ۱۳۹۸: ۴۰). بنابراین چه ملاک نیاز یا ملاک شرایط خاص افراد مد نظر قرار گیرد، باید بر اساس ویژگی‌های شخصی افراد تعیین گردد تا بتوان متناسب با آن‌ها به توانمندسازی پرداخت.

در جنبه دوم، علاوه بر برابری توانمندی، نگاه برابری ثروت که از نظریات مارکس می‌باشد از دیدگاه هیچکدام از اسناد دور نمانده است. توزیع برابر درآمد و ثروت در کنار توجه به بهره‌وری کار افراد در ارتباط با نیازهای آن‌ها، از جمله این موارد می‌باشد (کیملیکا، ۱۳۹۶). به نظر می‌آید که نگاه برابری ثروت در هر دو سند ناشی از داشتن یک جامعه بی‌طبقه است که سیاست‌گذاران تحقق این موضوع را در توزیع برابر ثروت جستجو می‌کنند. در جنبه سوم، به غیر از دو رویکرد برابری توانمندی و برابری ثروت، برنامه دوم توسعه به رویکرد برابری منابع هم توجه داشته و توزیع منابع و امکانات جهت ایجاد برابری را یکی از شروط گسترش عدالت بر می‌شمارد. در رویکرد برابری منابع که دورکین آن را مطرح ساخته، مبنای اصلی مربوط به قرار دادن برابر منابع در اختیار همگان می‌باشد به طوری که از نظر دورکین دخالت دولت در اجرای این برابری کاملاً مجاز است (دورکین، ۱۳۹۲). در این راستا، برنامه دوم برای ایجاد برابری با توجه به یکسری ضرایب در پی توزیع منابع به شکلی می‌باشد که مناطق کم برخوردار به مناطق برخوردار نزدیک گردند تا از این طریق شکاف امکانات رخ ندهد.

برنامه اول توسعه برخلاف برنامه دوم توسعه به دیدگاه اجتماع‌گرایی می‌پردازد. اولویت دادن نیازهای فرهنگی و اجتماعی بر هر نیاز دیگری، بیانگر گرایش اجتماع‌گرایی در این برنامه است. مبتنی بر دیدگاه تیلور، فرهنگ و ساختار اجتماعی افراد است که افق‌هایی را برای او ترسیم می‌کنند (واعظی، ۱۳۸۷). افق‌هایی که می‌تواند شامل احتیاجات و نیازهای انسان شود. بر همین اساس برنامه اول نیازهای فرهنگی را بر نیازهای سیاسی، نظامی و اقتصادی ترجیح داده و تعیین و رفع این نیازها را شرط لازم برای تعیین و رفع سایر نیازها می‌داند.

در مجموع با آنکه سند اول توسعه در رویکرد اجتماع‌گرایی خود و سند دوم توسعه در رویکرد فایده‌گرایی مد نظر خویش به سپردن امور به بخش‌های غیر دولتی و مردمی پرداخته‌اند اما در سایر رویکردهای خود به ویژه رویکرد قراردادگرایی و برابری، دخالت حداکثری دولت و حاکمیت را در نظر دارند. به عبارتی دیگر هر کدام از این دو سند با هر رویکردی از عدالت، دولت را موظف به اجرای عدالت و توزیع می‌دانند و این دولت است که باید تمام مراحل را مشخص و اجرا نماید. امری که سیاست‌گذاری حداکثری را در هر دو سند نشان می‌دهد.

۳-۲- رویکردهای عدالت اسناد سوم و چهارم توسعه کشور در باب آموزش و پرورش

اسناد سوم و چهارم توسعه به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳ به تصویب و ابلاغ رسیدند. رویکرد مبنایی این اسناد فایده‌گرایی و برابری می‌باشد، این در حالی است که برنامه چهارم توسعه به رویکرد اجتماع‌گرایی هم نگاهی داشته است. برخی موارد بیان شده در این اسناد در مورد رویکردهای عدالت در آموزش و پرورش به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول ۲. رویکردهای عدالت اسناد سوم و چهارم توسعه کشور در باب آموزش و پرورش

نوع سند	نوع رویکرد عدالت	جایگاه در سند	متن	صفحه
برنامه سوم توسعه	فایده‌گرایی	ماده ۶۴	الف. وظایف اعمال حاکمیت دولت که منافع حاصل از انجام آن شامل همه اقشار جامعه می‌گردد و بهره‌مندی افراد از این نوع خدمات نه تنها باعث ایجاد محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود بلکه تحقق آن اقتدار دولت را نیز افزایش می‌دهد.	۵۲
	برابری	ماده ۵۵	الف. به منظور گسترش عدالت اجتماعی و فراهم کردن امکان استفاده عادلانه اقشار مختلف جامعه از کالاها و خدمات فرهنگی، ورزشی و هنری و به منظور ایجاد تعادل و کاهش نابرابری‌ها	۱۱۷-۱۱۸
برنامه چهارم توسعه	فایده‌گرایی	ماده ۱۳۶	۲- خرید خدمات از بخش غیردولتی ۳- مشارکت با بخش غیردولتی از طریق اجاره و واگذاری امکانات و تجهیزات و منابع فیزیکی	۲۱۳-۲۱۴
	برابری	ماده ۹۵	د. طراحی برنامه‌های ویژه اشتغال، توانمندسازی، جلب مشارکت‌های اجتماعی، آموزش مهارت‌های شغلی و مهارت‌های زندگی، به ویژه برای جمعیت‌های سه دهک پایین درآمدی در کشور	۱۶۹-۱۷۱



۱۷۲-۱۷۱	ج. تأمین بیمه خاص (در قالب فعالیتهای حمایتی)، برای حمایت از زنان سرپرست خانوار و افراد بی سرپرست با اولویت کودکان بی سرپرست	ماده ۹۶	
۲۱۲	۲. برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و بازتوزیع درآمد	ماده ۱۳۵	
۲۰۱-۲۰۰	به منظور سیاست گذاری در مسائل مربوط به اقلیت های دینی شناخته شده و تقویت مشارکت آنان در اداره امور کشور و تحکیم همبستگی ملی، شورایی تشکیل می شود که شرح وظایف و ترکیب اعضای شورا توسط هیأت وزیران تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد.	ماده ۱۲۰	اجتماع گرایي

از منظر رویکرد فایده گرایی، نگاه فایده گرایی عمل نگر در برنامه سوم مورد نظر سیاست گذاران قرار گرفته است. به اعتقاد بنام دولت باید در تصمیم ها و سیاست های خود، مبنا را تعیین این مسئله قرار دهد که چه چیزی خوشبختی دولت و جامعه را افزایش می دهد (همپتن، ۱۳۸۹). به عبارتی هر تصمیمی که دولت می خواهد اجرا کند هم باید منافع دولت و هم باید منافع جامعه را تأمین کند. در «بند الف ماده ۶۴»، اعمال حاکمیت دولت را در راستای منافع جامعه در نظر می گیرد و تحقق هر تصمیمی را منجر به افزایش اقتدار دولت می داند. همین نگاه در برنامه چهارم هم دیده می شود. برنامه چهارم همانند برنامه دوم توسعه، برون سپاری امور را موضوعی سودمند برای دولت و جامعه بر می شمارد اما با یک تفاوت مهم به این مطلب می پردازد. تفاوت اصلی در آن است که برنامه چهارم به راهکارهای عملیاتی مانند خرید خدمات، اجاره و واگذاری منابع و تجهیزات به صورت صریح اشاره دارد و به نوعی مصادیق عملیاتی برای نفع دولت و جامعه را نام می برد. به همین سبب سیاست گذاران برنامه چهارم به صورت کامل تر و معین تری به رویکرد فایده گرایی عمل نگر می پردازند.

در ماده (۵۵) و (۱۳۵) برنامه های سوم و چهارم توسعه، توزیع منابع توسط دولت یا حکومت به عنوان یک راهکار اساسی جهت کاهش نابرابری ها مد نظر سیاست گذاران قرار گرفته است. البته برنامه سوم برابری منابع را در توزیع کالاها و تجهیزات فرهنگی، ورزشی و هنری در نظر دارد و برنامه چهارم، توزیع درآمد را به عنوان عامل اصلی برابری منابع قلمداد می کند. بنابراین برنامه سوم به دلیل آنکه برابری منابع را در عوامل فرهنگی، ورزشی و هنری جستجو می کند به رویکرد برابری منابع نزدیک است (عربی، ۱۳۹۹) و برنامه چهارم به دلیل آنکه برابری منابع را در توزیع درآمد دنبال می کند به رویکرد برابری ثروت نزدیک می باشد (فلائی شاکر، ۱۳۹۷).

در ادامه، برنامه چهارم برخلاف برنامه سوم از دو نگاه برابری توانمندی و بحث بیمه در جهت برابری منابع غافل نشده و به این دو رویکرد هم می پردازد. ایجاد توانمندی و بیمه های خاص برای قشری ویژه که نیازمند و دارای شرایط خاص می باشند، از جمله نقاط قوتی می باشد که برنامه چهارم در نظر داشته است. از نظر دورکین، اگر افراد توانایی های لازم را برای زندگی خود کسب کنند، باز هم زمانی که در یک فضای رقابتی قرار می گیرند، نابرابری ها بروز می یابد و اینجاست که دولت برای جبران باید یک نظام بیمه ای مناسب را در نظر بگیرد و اجرا سازد (کیمیلا، ۱۳۹۶). در صحنه ای مانند آموزش و پرورش، افراد برخی از حداقل توانایی های زندگی را کسب می کنند اما در زمان حضور در سطح اجتماع، به دلیل رقابتی که با سایر اعضای اجتماع می یابند، به لحاظ عملکرد بین آنها اختلاف پدید می آید و برخی در نسبت با برخی دیگر شرایط بهتری پیدا می کنند. راهکار دورکین برای جبران چنین اختلافی، یک نظام بیمه ای خاص است که هدفش توزیع متناسب مالیات از ناحیه دولت جهت جبران اختلافها می باشد. دورکین می گوید: «ما می توانیم با برآورد سر جمع حق بیمه کلی و اختصاص مالیات های سالانه کلی برای تأمین آن، نابرابری را از بین ببریم» (دورکین، ۱۳۹۲: ۱۲۵-۱۲۶). راهکاری که برنامه چهارم آن را نادیده نگرفته و برای اولین بار مورد اشاره قرار می دهد.

بحث از اجتماعات به طور صریح در برنامه چهارم مطرح شده اما بسیار محدود مد نظر سیاست گذاران است. بر مبنای ماده (۱۲۰) برنامه چهارم، در میان اجتماعات گوناگون فقط به اجتماعات اقلیت های دینی به عنوان اجتماع مؤثر در سیاست گذاری ها توجه شده و سایر اجتماعات با ارزش های مختلف دیگر نادیده گرفته شده اند. هویت هر اجتماعی مبتنی بر ارزش های حاکم بر آن تعیین می شود که دین یکی از این ارزش ها است. ارزش هایی مانند سنت، آداب و رسوم و عوامل گوناگون فرهنگی وجود دارند که بسته به اجتماعات گوناگون، اثر گذاری آنها متفاوت می باشد (کیکس، ۱۳۹۲). برنامه چهارم از میان این ارزش ها فقط دین را در نظر گرفته و ارزش اجتماعی مد نظر خود را دین بیان می کند و به سایر ارزش های اجتماعی توجه چندانی ندارد.

به صورتی کلی برنامه های سوم و چهارم توسعه، در رویکردهای فایده گرایی به دنبال واگذاری امور به بخش های غیر دولتی و مردمی هستند اما در رویکردهای برابر گرایی به اجرای مواردی اشاره دارند که دخالت حاکمیت و دولت را برای توزیع مواهب مختلف افزایش می دهد. به عبارتی اسناد سوم و چهارم توسعه، از یک سو در پی تحقق تمرکززدایی دولتی در بخش های گوناگون از جمله آموزش و پرورش هستند اما از طرفی هم نمی خواهند این تمرکززدایی خارج از حیطه دولت صورت گیرد. از سویی هم فقط سند چهارم توسعه به رویکرد اجتماع گرایی به صورت بسیار محدود توجه کرده



که نشان از آن دارد که سیاست‌گذاری‌های هر دو سند به اجتماعات مختلف کمترین نظر را دارند و سیاست‌گذاران، کشور را در قالب یک جامعه کلی مد نظر قرار می‌دهند. بنابراین به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاری حداکثری، اصلی‌ترین نوع سیاست‌گذاری اسناد سوم و چهارم توسعه می‌باشد که سیاست‌گذاران هر دو سند آن را تبیین و دنبال کرده‌اند.

۳-۳- رویکردهای عدالت اسناد پنجم و ششم توسعه کشور در باب آموزش و پرورش

سند‌های پنجم و ششم توسعه به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۵ به تصویب مجلس و سپس به ابلاغ دولت رسیدند. جهت‌گیری هر دو سند به سوی دو رویکرد برابری و اجتماع‌گرایی است. در کنار آن برنامه پنجم نیم‌نگاهی هم به رویکرد قراردادگرایی دارد. نکات اصلی این دو سند در باب عدالت در آموزش و پرورش بر مبنای رویکردهای عدالت، در جدول شماره (۳) آمده است:

جدول ۳. رویکردهای عدالت اسناد پنجم و ششم توسعه کشور در باب آموزش و پرورش

نوع سند	نوع رویکرد عدالت	جایگاه در سند	متن	صفحه
برنامه پنجم توسعه	قراردادگرایی	ماده ۱۹	د. وزارت آموزش و پرورش موظف است به منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت و نیاز مناطق به ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته و رفع محرومیت آموزشی، نسبت به آموزش از راه دور و رسانه‌ای و تأمین هزینه‌های تغذیه، رفت و آمد، بهداشت و سایر امور مربوط به مدارس شبانه‌روزی اقدام نماید.	۴۷
	برابری	ماده ۳۹	الف. طراحی نظام سطح‌بندی خدمات حمایتی و توانمندسازی متناسب با شرایط بومی، منطقه‌ای و گروه‌های هدف حداکثر تا پایان سال اول برنامه و فراهم نمودن ظرفیت‌های لازم برای استقرار نظام مذکور در طول برنامه	۸۵
	اجتماع‌گرایی	ماده ۱۹	۱. تحول در برنامه‌های آموزشی و پرورشی و درسی جهت کسب شایستگی‌های مورد نیاز فرد ایرانی توسط دانش‌آموختگان دوره آموزش عمومی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و نیازسنجی و به کارگیری فناوری ۴. بسترسازی و ایجاد انگیزه لازم برای ورود دانش‌آموزمان مستعد به رشته‌های علوم انسانی	۴۵-۴۶
برنامه ششم توسعه	برابری	ماده ۸۰	دولت مکلف است طبق قوانین مربوطه و مصوبات شورای اجتماعی به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با اولویت اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، کودکان کار و مفاسد اخلاقی بر محورهای بیان شده اقدام کند.	۱۱۳-۱۱۴
	اجتماع‌گرایی	ماده ۶۳	۲. تهیه نظام رتبه‌بندی معلمان و استقرار نظام پرداخت‌ها بر اساس تخصص با شایستگی‌ها و عملکرد رقابتی مبتنی بر نظام رتبه‌بندی معلمان	۸۲

«بند د ماده ۱۹» برنامه پنجم مطابق رویکرد عدالت به مثابه انصاف رالز، سعی دارد فرصت برابر آموزشی را از طریق مواردی مانند رفع محرومیت در زمینه‌های تجهیزات و مکان‌های آموزشی، بهداشت و تغذیه فراهم آورد. رالز بیان می‌دارد که «نابرابری‌ها باید بیشترین سود را برای محروم‌ترین اعضای جامعه داشته باشد» (رالز، ۱۳۸۸: ۸۴). بر این اساس، رالز به فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای افراد به شکلی که کم‌برخوردارترین افراد هم منتفع شوند جهت کاهش نابرابری تأکید دارد.

ماده (۳۹) برنامه پنجم و ماده (۸۰) برنامه ششم، اصلی‌ترین موضوع خود را به ایجاد توانمندی در افراد اختصاص داده‌اند. برنامه پنجم به توانمندسازی از طریق شرایط بومی و منطقه‌ای و برنامه ششم به توانمندسازی از طریق کاهش آسیب‌های اجتماعی اشاره دارند. مطابق این دیدگاه، آمارتیا سن و ناسام در نظریه برابری توانمندی خود معتقدند که شرایط محیطی و منطقه‌ای می‌تواند در تعیین توانمندسازی افراد دخیل باشد، همچنین کاهش آسیب‌های اجتماعی باید به ارتقای سلامت افراد جهت داشتن زندگی مناسب بینجامد (Nussbaum, 2003).



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



بر اساس ماده (۱۹) برنامه پنجم توسعه، آموزش و تربیت باید بر پایه اسلام و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی باشد. در برنامه پنجم به طور مشخص منظور از اسلام و تربیت اسلامی مشخص نیست اما آن طور که به نظر می‌رسد، تعریف این عناوین از ناحیه دولت مشخص می‌گردد. به عبارتی شاید دولت این ادعا را داشته باشد که بر اساس ارزش‌ها و نیازهای جامعه به این نوع از تربیت باید بپردازد زیرا ارزش‌های جامعه با ارزش‌های دولت در یک راستا قرار دارند. مطابق دیدگاه عدالت بر اساس عاملیت فردی، زمانی که ارزش‌های جامعه و ارزش‌های دولت با هم همسو باشند نوعی اجتماع تشکیل می‌گردد که به آن اجتماع احساسی می‌گویند (سندل، ۱۳۹۷). اجتماعی که در آن دولت وظیفه دارد هویتی را ترویج کند که خود و جامعه در اشاعه آن احساس هماهنگی دارند.

در ادامه، بحث از شایسته‌سالاری برای برقراری عدالت یکی از موضوعات مهم مطرح شده در برنامه ششم می‌باشد. برنامه ششم توسعه در ماده (۶۳) خود یکی از لوازم اجرای عدالت را برپایی نظام شایسته‌سالاری برای به کارگیری نیروهای انسانی معرفی می‌کند. شایسته‌سالاری یکی از مواردی است که به نوعی در تمام رویکردهای عدالت بدان توجه شده است اما مایکل والزر در رویکرد عدالت بر اساس حوزه‌های عدالت، شایستگی را به عنوان یکی از معیارهای مهم عدالت بیان می‌کند. از منظر والزر تمام مناصب رسمی و پاداش و کیفر باید مبتنی بر معیارهای شایستگی قرار گیرد و معیار شایستگی لازم است از انعطاف و کثرت لازم برخوردار باشد. وی بیان می‌دارد که: «همچون مبادله آزاد، به نظر می‌رسد شایستگی هم منعطف و هم کثرت‌گراست» (والزر، ۱۳۹۴: ۵۵). بنابراین از نظر برنامه ششم اگر معیارهای شایستگی در یک فضای رقابتی مناسب اجرا گردد، می‌تواند شایستگی‌های افراد را بهتر نمایان سازد.

در کل هر دو برنامه پنجم و ششم توسعه به لحاظ سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش به سوی سیاست‌های حداکثری حرکت می‌کنند و می‌خواهند آموزش و پرورش از دخالت‌های بخش‌های غیردولتی به دور باشد. با آنکه در اسناد پیشین، سیاست‌گذاری حداکثری به عنوان سیاست‌گذاری مسلط بر اسناد قرار گرفته بود اما تمام آن اسناد، نیم‌نگاهی به مشارکت بخش‌های مردمی و غیر دولتی در آموزش و پرورش داشته‌اند. در حالی که اسناد پنجم و ششم توسعه، در رویکردهای عدالت مد نظر خویش، تمام تمرکز خود را به دولتی کردن آموزش و پرورش معطوف ساخته‌اند و سیاست‌گذاران، آموزش و پرورش را در چارچوب نظام دولتی تعریف کرده‌اند. این مطلب نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران پس از سال‌ها تدوین اسناد مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش و پرورش باید تا جایی که امکان دارد به صورت دولتی اداره شود و دولت متولی نهایی آن باشد.

۴- نتیجه گیری

در میان رویکردهای عدالت در اسناد توسعه، رویکرد فایده‌گرایی از سند اول تا چهارم مد نظر سیاست‌گذاران بوده است. بزرگ‌ترین ضعف فایده‌گرایان آن است که توجهی به فرایند اجرایی سیاست‌ها ندارند و فقط به نتیجه نهایی تصمیمات می‌پردازند. از طرفی دیگر، نتیجه نهایی مد نظر آن‌ها، هم باید رضایت جامعه و هم رضایت دولت را جلب نماید. رضایتی که نقطه تعادل مشخصی ندارد و ممکن است به گسترش اقتدار دولتی بیانجامد. در نتیجه به اعتقاد سندل، ساختارهایی که به دنبال پدید آوردن یک ساختار کلی هستند، در آن‌ها فقط منافع یک عده خاص امکان دارد تأمین گردد و این ساختارها نوعی اجتماع ابزار را پدید می‌آورند (سندل، ۱۳۹۷). بنابراین در چنین ساختارهایی ارزش‌های اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود و بین اهداف حاکمیت با اهداف اجتماع و افراد، شکاف عمیقی رخ می‌دهد.

رویکرد قراردادگرایی در قالب فرصت‌های برابر آموزشی که بر مبنای نظریه عدالت به مثابه انصاف رالز می‌باشد در اسناد اول، دوم و پنجم مطرح شده است. نقدی که در اینجا می‌توان مطرح ساخت این است که آیا فرصت برابر آموزشی یک حق است یا آنکه باید آن را به عنوان یک خیر در نظر بگیریم؟ اگر فرصت برابر آموزشی یک حق باشد پس باید خیرات مناسب را بر اساس آن تعیین کرد. ولی اگر فرصت برابر آموزشی به عنوان یک خیر در نظر گرفته شود، آنگاه باید حقی که فرصت برابر ذیل آن قرار می‌گیرد را مشخص ساخت (سندل، ۱۳۹۷). بنابراین مطابق دیدگاه اجتماع‌گرایان، ابتدا باید بر اساس ارزش‌های هر اجتماع، خیرات را مشخص نمود و بعد به دنبال تعیین حق بود. حقی که اجرای آن با توجه به خیرات مشخص شده، مسیرهای متفاوتی را در هر اجتماع طی می‌کند (مک‌ایننتایر، ۱۳۹۰).

تمام اسناد، رویکرد برابرگرایی را مد نظر قرار داده‌اند و این امر حاکی از اهمیت برابری در میان سیاست‌گذاران می‌باشد. این که برابری در چه چیزی باید دنبال شود یا به عبارتی نابرابری در چه چیزی یا چیزهایی باید کاهش یابد، از جمله پرسش‌هایی است که در اینجا مطرح می‌باشد. به صورت کلی اسناد توسعه، توزیع برابر در زمینه‌های ثروت، منابع و توانمندی را به شکل پراکنده مد نظر قرار داده‌اند ولی مصادیق دقیق این موارد را تعیین نکرده‌اند. به نظر می‌آید، سیاست‌گذاران به بیان یکسری ملاک‌های از پیش تعیین شده و مطلق پرداخته‌اند که باید به صورت یکسان در میان افراد اجرا گردد. بیشتر این ملاک‌ها با توجه به رویکردهای برابرگرایی موجود در اسناد به دنبال رفع نیازها، توزیع برابر درآمد و امکانات و شکل دادن به هویت و ارزش‌های افراد جامعه می‌باشند. این امور از منظر اجتماع‌گرایان می‌تواند آسیب‌هایی را در پی داشته باشد که برخی از این آسیب‌ها در صفحه آموزش و پرورش به شرح زیر است:



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

- ۱- آسیب به عضویت افراد در اجتماع: از منظر اجتماع‌گرایان، تأمین نیاز امری ضروری است ولی به شرط آنکه به عضویت افراد در اجتماع خدشه‌ای وارد نگردد (والزر، ۱۳۹۴). بر این مبنا باید نیازمندی‌های اقشاری مانند کودکان بی‌سرپرست، معلولین و غیره تأمین گردد به صورتی که به عضویت‌شان در اجتماعی که حضور دارند آسیبی وارد نشود (همان).
 - ۲- آسیب به ارزش‌های اجتماعی: به زعم سندل، اگر دولتی فقط به فکر توزیع منابع باشد به طوری که به ارزش‌های موجود در جامعه توجه نکند منجر به افزایش شکاف فقیر و غنی و آسیب به نهادهای عمومی و مراکز اجتماعی همانند مدارس می‌شود (سندل، ۱۳۹۸). بنابراین صرفاً توزیع منابع بدون در نظر گرفتن ارزش‌گذاری‌ها نمی‌تواند برابری و در نهایت عدالت را به همراه داشته باشد.
 - ۳- عدم توجه به هویت افراد: به زعم اجتماع‌گرایانی همچون والزر، قابلیت و توانمندی افراد در شکل‌دهی هویت آن‌ها مؤثر است (والزر، ۱۳۹۴). هویت‌هایی که باید در اجتماعات افراد تعیین گردد و حاکمیت نباید در پی شکل دادن به این هویت‌ها باشد.
- آسیبی که از در نظر نگرفتن جایگاه افراد در اجتماع، ارزش‌های اجتماعی و هویت اجتماعی افراد حاصل می‌شود شاید بخشی از مشکلاتی باشد که رویکرد برابرگرایی می‌تواند در صحنه آموزش و پرورش پدید آورد. اجتماع‌گرایان اعتقاد دارند که این اجتماع است که جایگاه، ارزش‌ها و هویت افراد را شکل می‌دهد و اگر قرار باشد، حاکمیت خود به بهانه برقراری برابری به ترویج ایدئولوژی مد نظرش اقدام کند، در انتها یک جامعه انحصاری پدید می‌آورد که می‌تواند به بروز بی‌عدالتی‌های مختلفی دامن زند (والزر، ۱۳۹۴).
- در اسناد چهارم تا ششم بر اساس رویکرد اجتماع‌گرایی به نیازهای فرهنگی و شایسته‌سالاری توجه شده است. بر این اساس به نظر می‌رسد آنچه مد نظر سیاست‌گذاران بوده، شکل بخشیدن به هویت افراد از طریق نظام آموزشی است. از منظر اجتماع‌گرایان ارزش‌های گوناگونی که هویت‌های گوناگون می‌سازند، خود زمینه خیرات مختلفی هستند و آن خیرات مختلف نیز نیازمند تأمین عدالت و توزیع مواهب گوناگون‌اند (تیلور و رجایی، ۱۳۹۹). بنابراین صرف در نظر داشتن یک ارزش خاص بدون توجه به جایگاه اجتماعی آن، نمی‌تواند نتیجه مطلوبی را در پی داشته باشد و امکان دارد حاکمیت و دولت را در اجرای هر تصمیمی با مشکل مواجه سازد.
- در مجموع، اسناد توسعه کشور به عنوان اسناد اصلی سیاست‌گذاری‌های کلی نظام دارای رویکرد مشخصی در حوزه عدالت نیستند. با آنکه نوع نگاه سیاست‌گذاران به حوزه آموزش و پرورش حداکثری است اما تنوع رویکردهای عدالت در اسناد، منجر به برداشتهای مختلفی از بخش‌های نظری و عملی موجود در آن‌ها شده است. برداشتهایی که در نهایت به عدم انسجام و هماهنگی عملکردها انجامیده است.

پیشنهادات

از آن جایی که کشور ایران دارای اقوام و قومیت‌های مختلف و همین‌طور اقلیت‌های مذهبی گوناگون است، چه به لحاظ نظری و چه به صورت عملی، در نظر گرفتن راهکارهای کلی به گونه‌ای که تمام این اقوام و اقلیت‌ها را در برگیرد بسیار دشوار به نظر می‌رسد. رویکرد اجتماع‌گرایی به عنوان یکی از جدیدترین رویکردهای موجود در عدالت سعی دارد بین دولت و مردم از طریق سطوح خرد ارتباط برقرار کند تا بسیاری از معضلات حاصل از سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، قابلیت اجرایی بیابند. رویکرد اجتماع‌گرایی نه به صورت کلی به دنبال سیاست‌های حداکثری است و نه کاملاً می‌خواهد سیاست‌های حداقلی را اجرا کند. آن چیزی که اجتماع‌گرایان به دنبال تحقق آن هستند در نظر گرفتن ارزش‌های متفاوت اجتماعی است. از منظر آنان تا زمانی که این ارزش‌ها نادیده گرفته شوند، دولت‌ها نمی‌توانند به اقدامات مناسب اجرایی در هر زمینه‌ای بپردازند. بنابراین، به نظر می‌رسد که رویکرد اجتماع‌گرایی به عنوان یکی از رویکردهای با اهمیت در بحث عدالت بتواند تا حدی به ما در حل این چالش‌ها یاری رساند.

منابع

- اکبرزاده، فهیمه؛ قائدی، یحیی؛ صالحی، اکبر (۱۳۹۸). تبیین مؤلفه‌های عدالت آموزشی و تحلیلی انتقادی جایگاه آن در گفتمان‌های ایدئولوژیک‌سازی و سازندگی. دوفصلنامه فلسفه تربیت، ۴(۲)، ۵-۳۳.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳). عقل در سیاست: سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی. تهران: نگاه معاصر.
- بهشتی، سید علیرضا (۱۳۹۵). بنیاد نظری سیاست در جوامع چندفرهنگی. تهران: انتشارات ناهید.
- تیلور، چارلز؛ رجایی، فرهنگ (۱۳۹۹). زندگی فضیلت‌مند در عصر سکولار. تهران: آگاه.
- حیدری، علی‌رضا (۱۳۹۸). معضل دولت‌سازی و سیاست‌گذاری آموزش و پرورش در ایران پس از انقلاب. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۷(۴)، ۶۵-۸۶.
- خاندوزی، سید احسان (۱۳۹۰). بازخوانی و نقد نظریه‌های عدالت اقتصادی در قرن بیستم. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۱۸(۶۸)، ۱۰۹-۱۴۶.
- خاندوزی، سید احسان (۱۳۹۰). مدینه عادل: مقدمه‌ای بر نظریه عدالت اقتصادی در قرآن. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- دورکین، رونالد (۱۳۹۲). آیا دموکراسی در آمریکا ممکن است؟. ترجمه محمود حبیبی و خشایار دیهیمی، تهران: انتشارات مینوی خرد.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

- رالز، جان (۱۳۸۸). عدالت به مثابه انصاف. ترجمه عرفان ثابتی، تهران: نشر ققنوس.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۸). برابری و آزادی. ترجمه حسن فشارکی، تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۰). اندیشه عدالت. ترجمه وحید محمودی و هرمز همایون پور، تهران: انتشارات کند و کاو.
- سندل، مایکل (۱۳۹۸). عدالت چه باید کرد؟. ترجمه افشین خاکباز، تهران: فرهنگ نشر نو.
- سندل، مایکل (۱۳۹۸). عدالت چه باید کرد؟. ترجمه افشین خاکباز، تهران: فرهنگ نشر نو.
- سندل، مایکل (۱۳۹۷). لیبرالیسم و محدودیت‌های عدالت. ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- شیرزاد، امید (۱۳۹۸). جماعت‌گرایی و حقوق عمومی؛ نسبت‌سنجی و تحلیل. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۳(۸۹)، ۳۷۱-۳۹۷.
- صفارحیدری، حجت؛ حسین‌نژاد، رزا (۱۳۹۳). رویکردهای عدالت آموزشی (نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران). فصلنامه پژوهش‌نامه تعلیم و تربیت، ۴(۱)، ۴۹-۷۲.
- ضابط‌پور، غلامرضا (۱۳۹۵). چالش‌های نظری عدالت در جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم.
- عباسی، ابراهیم (۱۳۹۴). اجتماع‌گرایی به‌مثابه روش تحلیل: تلاشی برای بومی‌نگری در علوم اجتماعی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۷(۲)، ۲۳-۵۶.
- عربی، سید هادی (۱۳۹۹). نظریات عدالت توزیعی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فرقانی، بهمن (۱۳۹۶). عدالت اجتماعی از منظر لیبرالیسم. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- فلای‌شاکر، ساموئل (۱۳۹۷). تاریخ مختصر عدالت توزیعی. ترجمه مجید امینی، تهران: نشر مرکز.
- قانون برنامه توسعه اول جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- قانون برنامه توسعه پنجم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- قانون برنامه توسعه چهارم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- قانون برنامه توسعه دوم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- قانون برنامه توسعه سوم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- قانون برنامه توسعه ششم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- کاظم‌پور، اسماعیل؛ افتخاری، ارکیده (۱۳۹۲). ارائه مدلی برای ارزیابی عدالت آموزشی در آموزش متوسطه. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۷(۳)، ۶۵-۷۶.
- کیکس، جان (۱۳۹۲). علیه لیبرالیسم. ترجمه محمد رضا طاهری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کیملیکا، ویل (۱۳۹۶). درآمدی بر فلسفه سیاسی معاصر. ترجمه میثم بادامچی و محمد مابشری، تهران: نشر نگاه معاصر.
- مرتضوی کاخکی، مرتضی؛ مهدوی عادل، محمد حسین؛ ناجی میدانی، علی اکبر؛ حسین‌زاده بحرینی، محمد حسین (۱۳۹۵). دورکین و مسائل عدالت بین نسلی: درآمدی بر نظریه برابری در منابع بین نسلی. دوفلنامه علمی-پژوهشی پژوهش سیاست نظری، ۹(۲۱)، ۱۱۷-۱۴۶.
- مک‌اینتایر، السدیر (۱۳۹۰). در پی فضیلت: تحقیقی در نظریه اخلاقی. ترجمه حمید شهریاری و محمد علی شمالی، تهران: سمت.
- موحدی، محمد جواد (۱۳۹۸). وظیفه‌گرایی و پیامدگرایی در اخلاق: بررسی، تحلیل و نقد. تهران: نشر نگاه معاصر.
- نادری، ناهید؛ نوروزی، رضاعلی؛ سیادت، سید علی (۱۳۹۵). سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش. اصفهان: یارمانا.
- نوزیک، رابرت (۱۳۹۵). بی‌دولتی، دولت، آرمانشهر. ترجمه محسن رنجبر، تهران: نشر مرکز.
- نیلی، مسعود؛ طیبیان، محمد؛ غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۴). اقتصاد و عدالت اجتماعی. تهران: نشر نی.
- واعظی، احمد (۱۳۸۷). جامعه‌گرایی و نسبت آن با لیبرالیسم و هرمنوتیک. فصلنامه علوم سیاسی، ۱۱(۴۱)، ۹-۳۰.
- والزر، مایکل (۱۳۹۴). حوزه‌های عدالت در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری. ترجمه صالح نجفی، تهران: نشر ثالث.
- هایک، فردریش فون (۱۳۹۲). قانون، قانون‌گذاری و آزادی: قواعد و نظم (ج. ۱). ترجمه مهشید معیری و موسی غنی‌نژاد، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- همپتن، جین (۱۳۸۹). فلسفه سیاسی. ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: انتشارات طرح نو.
- Brighouse, H. (2014). The place of Educational equality in Educational justice Routledge. London and New York.
- Francis, P. B; Mills, P. M; Lupton, P. R. (2017). Towards Social Justice in Education: Contradictions and Dilemmas. Journal of Education Policy, 32(4), pp. 414-431.

- Martin, Christopher; Gilead, Tal. (2020). Intrinsic Goods and Distributive Justice in Education. EDUCATIONAL THEORY, 69(5), pp. 543-557.
- Nussbaum, Martha. (2003). CAPABILITIES AS FUNDAMENTAL ENTITLEMENTS: SEN AND SOCIAL JUSTICE. Feminist Economics, 9 (2-3), pp. 33-59.